

میر غلام علی آزاد بلگرامی در پرتو سیر و سفرهای او

رمضان بامری*

چکیده

میر غلام علی آزاد بلگرامی دارای شخصیت چند بُعدی است. وی همزمان پژوهشگر، مورخ، سخنور و ادیب ممتاز قرن دوازدهم هجری شبه قاره به‌شمار می‌رود. از آثار ماندگار وی «خزانه عامره»، «سرو آزاد» و «مآثرالکرام» مورد استفاده محافل علمی و ادبی جهان فارسی است. در این مقال سیر و سفرهای میر غلام علی آزاد بلگرامی در داخل و خارج شبه قاره که هدفش دانش‌اندوزی و اکتساب علوم متداوله بوده، مورد بحث قرار گرفته است.

میر غلام علی آزاد بلگرامی یکی از علما، شعرا و ادبا و مؤرخان و محققان معروف شبه قاره پاکستان و هند بوده است.

آزاد بلگرامی در بیست و پنجم ماه صفر روز یکشنبه سنه هزار و صد و شانزده (۱۱۱۶ هـ.ق) در شهرک بلگرام چشم به‌جهان گشود. اسم پدرش سید محمد نوح حسینی واسطی بود.

جد امجد او سید محمد صغری در سال ۶۱۴ هجری قمری در زمان سلطان شمس‌الدین ایلتمش از خراسان به‌حیث غازی اسلام به‌بلگرام آمده و با لشکر اندک خود توانست حکمران بلگرام «راجا سری» را شکست بدهد و بعد از فتح، بلگرام را به‌عنوان محل سکونت خود برگزیند.

* مربی گروه فارسی دانشگاه کراچی، کراچی.

آزاد بلگرامی در محیط علم و فضل پرورش یافته، کتب درسی را نزد سید طفیل محمد اترولوی بلگرامی (متوفی: ۱۱۵۱ هـ.ق) خواند، علوم ادبی را از سید محمد بلگرامی (متوفی: ۱۱۸۵ هـ.ق) آموخت و کتب حدیث را از پدر بزرگ خود سید عبدالجلیل بلگرامی یادگرفت. سید عبدالجلیل علاقه شدیدی به آزاد بلگرامی داشته و در مورد او گفته:

”می‌خواهم به‌وجوه نشانی از من باقی‌ماند.“

میر غلام علی آزاد بلگرامی طبعاً درویش و صوفی بود. در سن جوانی در ماه جمادی‌الاول ۱۱۳۷ هجری قمری به‌دست میر سید لطف‌الله بلگرامی المعروف به‌شاه لدها (متوفی: ۱۱۴۳ هـ.ق) بیعت کرده از او کسب فیض نمود.

آزاد بیشتر ایام را به‌سفر گذرانیده است. اولین سفر او به‌همراهی پدر بزرگ خود یعنی سید عبدالجلیل بلگرامی در سال ۱۱۳۶ هجری قمری از بلگرام به‌دهلی (هند) بوده است. بعد از سه سال به‌بلگرام برگشت.

دوّمین سفر آزاد در سال ۱۱۴۲ هجری قمری از بلگرام شروع شد و از راه دهلی (هند) و لاهور و ملتان و اوچ و بکر به‌شهر سهوان شریف انجامید. آزاد بلگرامی نزد عموی خود سید محمد بلگرامی که از طرف ناصرالدین محمد (۱۱۶۱-۱۱۳۱ هـ.ق) پادشاه دهلی به‌شهرت سهوان شریف کار وقایع‌نویسی را بر عهده داشت، رسید. سید محمد بلگرامی این فرصت را غنیمت دانسته کار وقایع‌نویسی را به‌آزاد بلگرامی سپرد و او به‌مدّت چهار سال قائم مقام سید محمد بلگرامی بود.

آزاد بلگرامی در سال ۱۱۴۷ هجری قمری از شهر سهوان شریف طرف دهلی مراجعت نمود. وقتی که به‌دهلی رسید اطلاع یافت که تمام خانواده او از دهلی به‌طرف اله‌آباد کوچ کرده‌اند. آزاد هم از راه آگره به‌اله‌آباد رفت. موقعی که به‌آن شهر رسید. مردم مشغول نگاه کردن هلال شهر رمضان‌المبارک بودند.

آزاد با دیدن خانواده خود بسیار شاد گشت و او به‌مدّت سه سال در شهر اله‌آباد اقامت کرد و در عرض همین سه سال دو مرتبه به‌بلگرام هم رفت.

آزاد بلگرامی در عهد طفولیت خوابی دیده بود که به‌زیارت روضه اقدس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشرف گشته است.

آزاد برای تعبیر این خواب بسیار تلاش کرد. بالآخره بی‌تابی و ذوق و شوق فراوان زیارت بیت الله او را به‌دربار نواب نظام‌الملک آصف‌جاه در مقام سرونج (در توابع مالوه) کشید و او به‌نیت حج بیت الله در سوّم ماه رجب سال ۱۱۵۰ هجری از بلگرام حرکت نموده، روز ۲۲ شعبان به‌خدمت نواب رسید و در مدح او رباعی زیر خواند:

ای حامی دین، محیط جود و احسان حق داد ترا خطاب آصف شایان
 او تخت به‌درگاه سلیمان آورد تو آل نبی را به‌در کعبه رسان

نواب بسیار شاد شده در عوض زاد راه و مقداری پول به‌او اعطا فرمود. آزاد این رباعی را در کتاب «مآثرالکرام» نوشته است:

”فقیر با وصف موزونی طبع مدّت العمر زبان به‌مدح اغنیا نگشوده‌ام، الاّ این رباعی که در استعانت سفر بیت الله سرزد.“

آزاد در اوائل شوال ۱۱۵۰ هجری قمری از بهوپال به‌طرف برهانپور حرکت کرد و دهم ذی‌قعدة به‌بندر سورت رسید، از آن‌جا بیست و چهارم ذی‌قعدة، سوار کشتی شده هیجدهم محرّم‌الحرام ۱۱۵۱ هجری قمری به‌بندر جدّه رسید و آن‌جا شیخ محمد فخر متخلّص به‌زائر (متوفی: ۱۱۶۴ هـ ق) که شخصی عالم و فاضل و متّبع سنّت و مصنّف شهیر و محدّث و فقیه نامور و به‌مرتبه صوفی و شاعر دست یافته بود از او پذیرایی کرد. آزاد ملاقات خود را با شیخ محمد فخر در «مآثرالکرام» چنین ذکر کرده است:

”شیخ محمد فخر متخلّص به‌زائر اله‌آبادی... در جدّه تشریف داشت، خیر قدوم فقیر از مردم جهازی که دو روز پیش از جهاز ما رسیده بود یافته، بر لب دریا انتظار می‌کشید، همین که قدم از بحر به‌خشکی گذاشتم ملاقات شد و سرور عجیبی دست داد.“

آزاد بلگرامی بالآخره توانست در بیست و سوّم محرّم‌الحرام سال ۱۱۵۱ هجری قمری آن سرزمین مقدّس را زیارت کند و از دیدن آن خاک پاک حرم در حضور بیت الله سجده‌ریز گشت و تسکین قلب و روح حاصل کرد. «و جبین نیاز به‌آستان سایبی بیت الله برافروختم».

بعد از زیارت بیت الله دنیای آزاد کاملاً عوض شد و دل او نرم گشت، بی‌اختیار از زبانش این اشعار جاری شد:

الهی ناله گرمی دل دیوانه ما را / کرامت کن نهال آتشینی دانه ما را
 مده در دست زنگار هوس آینه دل را / ز حُسن خویش کن آباد حیرت خانه ما را
 کریمان را نظر بر زشتی مهمان نمی‌باشد / مبر از باغ بیرون سبزه بیگانه ما را
 در این بزم کهن از دست مردم آبرو مشکن / تو گردش ده به رنگ آسمان پیمانۀ ما را
 دل ما در چراغان تجلی رنگ می‌بارد / سمندر ساز و در آتش نشان پروانۀ ما را
 صریح خامۀ آزاد را شور دو عالم کن / نمک ده از قبول خویشتن افسانۀ ما را

آزاد پس از زیارت بیت الله شریف در بیست و ششم محرم سال ۱۱۵۱ هجری قمری از مکه معظمه به طرف مدینه منوره حرکت کرد، چنان‌که او در کتاب «مآثر الکرام» می‌نویسد: «از آن‌جا که شوق مدینه سکینه جلوه‌ریز بود، طاقت صبر در خود نیافته بیست و ششم و پنجم ماه صفر که در این تاریخ از کتب عدم به شهرستان هستی وا رسیده‌ام و مرحله سی و ششم گذاشتم وقت سحر مدینه منوره سعادت در چشم کشیدم و دیده آرزومند را بر قبه روضه اقدس مالیدم».

زمانی که آزاد بلگرامی به مدینه منوره رسید در آن‌جا از سنده عالم مصنف شیخ محمد حیات سندهی مدنی (متوفی: ۲۶ صفر ۱۱۶۳ هـ ق) هم تشریف داشتند و درس و تدریس او در جمع شاگردان بی‌شمارش جاری بود.

آزاد اگرچه از علمای هندوستان و اساتید برجسته و فاضل و تحصیل نموده بود، ولی هنوز تشنگی علم در وجودش باقی بود و برای سیرابی فکر و روح خود، شاگردی آن عالم و فاضل بزرگوار را اختیار کرد و سند صحیح بخاری و صحاح سته حاصل نمود. آزاد بلگرامی چهاردهم شوال از مدینه منوره به طرف مکه معظمه حرکت کرد و فریضه حج بیت الله به جای آورد و در آن‌جا توانست فن حدیث را از شیخ عبدالوهاب طنطاوی فراگیرد، آزاد در کتاب «سرو آزاد» می‌نویسد، زمانی شیخ عبدالوهاب تخلص مرا و معنی آن را پرسید، فرمود:

«یا سیدی انت من عتقاء الله»

آزاد مدت چهار ماه در مکه معظمه ماند و در ماه ربیع‌الاول ۱۱۵۲ هجری قمری از مکه به طرف طائف حرکت کرد و مرقد حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنه رسید، در آن‌جا با این اشعار ابراز عقیدت نمود:

ای صبارو به مزار پسر عمّ نبی خاک آن روضه کم از عنبر تر شناسی
 کرده‌ام خوب تماشا چمن طائف را نرسد هیچ گل او به گل عباسی
 بالآخره آزاد در ماه بیع‌الاول همان سال دوباره به مکّه معظمه برگشت و از آنجا
 به طرف جدّه حرکت نمود.

آزاد بلگرامی سوّم جمادی‌الاول ۱۱۵۲ هجری قمری برای مراجعت به هند از
 بندرگاه جدّه سوار کشتی شد، بعد از ۲۶ روز یعنی در بیست و نهم جمادی‌الاول
 به بندر سورت رسید و او در دوّم جمادی‌الآخر وارد شهر سورت شد.
 آزاد بلگرامی یازدهم ذوالقعدة ۱۱۵۲ هجری از بندر سورت به طرف دکن روانه
 گشت و بیست و هفت ذوالقعدة به اورنگ‌آباد رسید، آنجا در خانقاه بابا شاه مسافر
 نقشبندی اقامت نمود. گفته می‌شود آزاد در ایام مختلف هفت سال در آن خانقاه اقامت
 کرده است.

آزاد بلگرامی در سال ۱۱۵۹ هجری قمری وارد حیدرآباد دکن شد و تا نوزدهم
 صفر همان سال در حیدرآباد دکن اقامت کرد. پانزدهم جمادی‌الاول سال مذکور دوباره
 به اورنگ‌آباد مراجعت نمود.

آزاد در سال ۱۱۵۹ هجری قمری بار دیگر اراده حج بیت الله کرد، در «سرو آزاد»
 می‌نویسد:

”در عشره اخیر رمضان المبارک ۱۱۶۱ هجری قمری مزاج بنده را وحشتی بهم
 رسید. به خاطر افتاد که از همه قطع نظر باید کرد و بار دیگر سری به دیار عرب
 باید کشید.“

ولی این اراده خود را ترک گفت و در این مورد چنین نوشته است:
 ”ناگاه شب بیست و هفتم ماه رمضان المبارک طرف سحر در عالم رؤیا اندیشه‌ام
 متوجّه شعر گردید و بیتی موزون ساختم، فوراً از خواب بیدار شدم بیت
 به یادماند و آن این است:

چه خوش گفت گوینده نامدار مکش دست از دامن روزگار
 لختی به تأمل رفتم، دانستم که گوینده سروش غیبی است و مخاطب بنده، امثال
 امر غیب واجب دیدم و اراده که تصمیم یافته بود، پیش از این به تقدیم رسید،

اگر دست از دامن علایق ظاهری می‌کشیدم و به تحصیل نافله شتافتم، چندین حقوق واجب‌الادا فوت می‌شد.

ترک واجب نتوان کرد پی نافل‌ها

آزاد سفر دوم برهانپور را در سال ۱۱۶۲ هجری قمری آغاز کرد و در همین سال چهاردهم شوال به‌ارکات رفته و یک سال در آن‌جا گذرانیده است، در سال ۱۱۶۴ هجری قمری بعد از شهادت نواب نظام‌الدوله ناصر جنگ به‌اورنگ‌آباد برگشت، در سال ۱۱۶۵ هجری قمری به‌همراهی نواب صمصام‌الدوله شاهنواز خان به‌حیدرآباد رفت.

آزاد بلگرامی فقط یک فرزند داشت به‌نام سید نورالحسن که در روستای خود یعنی بلگرام زندگی می‌کرد، در ایام جوانی یک روز خواست برای غسل کردن به‌استخر رود ناگهان حادثه‌ای غم‌انگیز رخ داد و نورالحسن در آن استخر غرق شد. آزاد از این حادثه شدیداً ناراحت می‌شود و مرثیه‌ای می‌نویسد بدین مطلع:

قیامت بر سر این بوستان رفت که یک گل داشت آن هم نوجوان رفت

بعد از این حادثه تفصیل سیر و سیاحت آزاد نوشته شد. ممکن است بر اثر غم و اندوه پسر جوان سفر را ترک گفته و در یک جای اقامت نموده باشد.

سفر حیدرآباد، دکن (هند) که در سال ۱۱۶۷ هجری قمری رخ داد آخرین سفر او بوده بعد از آن هیچ‌گونه سفری انجام نداده است و اورنگ‌آباد را برای همیشگی به‌طور محل سکونت خود اختیار کرده است.

آزاد در کتاب «خزانه عامره» می‌نویسد:

”چند بار به‌تماشای اطراف ملک دکن برخاستم، اکنون در دارالامن اورنگ‌آباد گوشه گیرم.“

آزاد در تمام نقاط شبه‌قاره پاکستان و هند به‌خصوص در اورنگ‌آباد (هند) عزت و احترام و شهرت شایانی داشته بود و سفرهای زیادی انجام داده ولی هدف از مسافرت جمع‌آوری مال و دولت و تجارت نبوده، بلکه در انجام سفر همواره خواسته، علم و دانش و تجربه حاصل نماید و خدمت به‌هم‌نوع خود کند، در این مورد آزاد چنین نوشته است:

”حق سبحانه علیم است که هلال وار مقصود از این سیر و سفر نه تن پروری می باشد، حاشا و کلاً...“

منابع و مأخذ

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): خزانه عامره (تألیف: ۱۱۷۶ هـ/ ۶۳-۱۷۶۲ م)، مطبع نولکشور، کانپور، ۱۸۷۱ م.
۲. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): سرو آزاد (تألیف: ۱۱۶۶ هـ)، مطبع رفاه عام، لاهور، ۱۹۱۳ م.
۳. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): مآثرالکرام (فصل اول سرو آزاد)، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد، ۱۹۱۳ م.
۴. قانع تنوی، میر علی شیر (م: ۱۲۰۳ هـ) بن میر عزت الله: تحفه الکرام (تألیف: ۱۱۸۱ هـ)، به تصحیح و حواشی از سید حسام الدین راشدی، سندی ادبی برد، حیدرآباد، سند، ۱۹۶۷ م.